

استعاره‌ی فضا در کردی کلهری: بررسی حرف اضافه‌ی مکانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۰

مسعود دهقان^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان شناسی، دانشگاه کردستان

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی معناشناختی حروف اضافه قصد دارد تا به بررسی یکی از پرکاربردترین حروف اضافه کردی کلهری /naw/ در چارچوب معنی‌شناسی شناختی بپردازد. ماهیت روش انجام این پژوهش کیفی، توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها از مصاحبه با گویشوران این گویش کردی به دست آمده و اصالت آن‌ها نیز به تأیید گویشوران بومی رسیده است. جهت تحلیل این حرف اضافه‌ی مکانی، ابزار نظری به کار گرفته شده طرح‌واره‌های تصویری در رویکرد شناختی هستند. این پژوهش سعی دارد تا با استفاده از طرح‌واره‌ی تصویری حجمی نشان دهد که در شبکه‌ی معنایی این حرف اضافه‌ی پرکاربرد، سه معنای متمایز «در»، «درون/داخل»، «در طول/ در مدت» و یک خوشه‌ی معنایی وجود دارد که معنای اولیه‌ی آن در زبان فارسی «در» می‌باشد. همچنین، این حرف اضافه‌ی مکانی مفاهیم انتزاعی را طوری مفهوم‌سازی می‌کند که گویی دارای حجم هستند که می‌توان به آن‌ها داخل و یا از آن‌ها خارج شد. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که این حرف اضافه مکانی، بین موضوع‌های یک محمول رابطه‌ی «ظرف/مظروفی» برقرار می‌کند.

کورتیه

هم و تاره به ئامانجی لیکۆئینه‌وه‌ی واتاناسانه‌ی پیتی وه‌پال‌نان، ده‌به‌رژتیه سهر توژینه‌وه‌ی یه‌کی له به‌کارترین پیتی وه‌پال‌نانی کوردی که‌لوری /naw/ له چوارچیوه‌ی واتاناسیی ناسینیدا. شیوه‌ی نه‌نجام درانی هم توژینه‌وه، ته‌وسیفی-شیکارانه. داده‌کان به شیوه‌ی وت‌ووژر له‌گه‌ل بیژهرانی هم زاروه کوردیه‌دا کۆ کراوه‌ته‌وه و بیژهران دروستی و ره‌سه‌نه‌بیه‌که‌یان په‌سند کردوهه. بۆ لیکۆئینه‌وه‌ی هم پیتیه، که‌ره‌سه‌ی به‌کارگیراوه، تهرح‌شیوه‌ی بیروکه‌یی له لقی ناسینیدا. هم وتاره هه‌ول‌ده‌دا به‌که‌لک وهرگرتن له بارستایی تهرح‌شیوه‌ی بیروکه‌یی هم نیشان بدات که له کۆمه‌له واتای هم ئامرازی وه‌پال‌نانه، سی واتای جیاوازی «له»، «نیو/تۆی»، «له‌دریژایی/ له‌ماوه‌ی»، هه‌روه‌ها یه‌ک هیتشووی واتایی هه‌به که واتا سه‌ره‌تایه‌که‌ی له زمانی فارسیدا ته‌بیتیه «در». هه‌روه‌ها هم بیتیه شوین‌نۆینه به شیوه‌یه‌ک مه‌فاهیمی ئنتزاعی ده‌خاته‌قالبی واتاوه که‌گوايه بارستاییان هه‌به به شیوه‌یه‌ک که ده‌کرئ برۆیتیه نیویانه‌وه یا لیپانه‌وه وه‌ده‌رکه‌وی. ده‌سکه‌وته‌کانی هم لیکۆئینه‌وه‌یه هم نیشان دده‌ن که هم ئامرازی وه‌پال‌نانه له نیوان بابه‌ته‌کانی واتاییکدا پیوه‌ندی «شوین/ناوشوینی» پیک‌ده‌هتینی.

وشه‌گه‌لی سه‌ره‌کی: ئامرازی وه‌پال‌نانی، شوین‌نۆین، کوردی که‌لوری، وتاناسیی ناسینی، خوازه‌ی شوین، تهرح‌شیوه‌ی بارستایی‌دار.

کلیدواژه‌ها: حروف اضافه مکانی، کردی کلهری، معنی‌شناسی شناختی، استعاره‌ی فضا، طرح‌واره‌ی تصویری حجمی.

۱- مقدمه

رویکرد زبان‌شناسی شناختی^۱ را می‌توان به عنوان رویکردی نوین در زبان‌شناسی به شمار آورد که ظهور و شکوفایی آن به دهه‌ی هفتاد میلادی باز می‌گردد و بیشترین آثار در این حوزه را زبان‌شناسان غربی از جمله لانگاکر^۲ (۱۹۸۷)، لیکاف^۳ و جانسون^۴ (۱۹۸۰) و مانند این‌ها به ثبت رسانده‌اند. در دنیایی که بیشتر علوم، تکنولوژی‌ها، اهداف، مفاهیم و روش‌ها را از هم به عاریت می‌گیرند، زبان‌شناسی شناختی در نتیجه‌ی تأثیرپذیری زبان‌شناسی از روان‌شناسی شناختی و روان‌شناسی گشتالت^۵ بوجود آمد ایوانز^۶ و گرین^۷، (۲۰۰۶: ۳). آن‌ها (همان) بر این باورند که در رویکرد شناختی می‌توان به ویژگی‌هایی اشاره کرد از قبیل:

(الف) در این رویکرد، مقوله‌بندی عناصر زبانی از نوع سرنمون^۸ است.

(ب) معنا ساختاری ذهنی تلقی می‌شود که مبتنی بر سنجش صدق و کذب نیست.

(ج) معانی بر اساس ساختارهای هندسی، فضایی و ذهنی شکل می‌گیرند.

(د) طرح‌واره‌های تصویری^۹ که ساختاری فضایی دارند، به عنوان اصلی‌ترین الگوهای شناختی در نظر گرفته می‌شوند.

به باور ایوانز و گرین (۲۰۰۶) رویکرد شناختی، به‌طور نمادین یک رویکرد دائره‌المعارفی^{۱۰} به معنی را بر می‌گزیند، به عبارتی تحلیل معنا در این رویکرد به دانش دائره‌المعارفی بستگی دارد. بنابراین، هیچ‌گونه وجه تمایز قاعده‌مندی میان معنی‌شناسی و کاربردشناسی قائل نیستند، چرا که این رویکرد معتقد است که هیچ تمایز قاعده‌مندی میان معنای هسته‌ای^{۱۱} از یک سو و کاربردشناسی، یعنی معنای فرهنگی-اجتماعی از سوی دیگر وجود

1 cognitive linguistics

2 R. Langaker

3 G. Lakoff

4 M. Johnson

5 gestalt psychology

6 V. Evans

7 M. Green

8 prototype

9 image schemas

10 encyclopedic

11 core meaning

ندارد. البته این دیدگاه که گفته می‌شود تنها دانش دائرةالمعارفی وجود دارد، بدان دلیل است که دانش و معنایی که ما برای کلمات در نظر می‌گیریم مجموعه‌ای منظم و سازماندهی شده‌ای نیست. زبان‌شناسان شناختی، دانش دائرةالمعارفی را به عنوان نظامی ساختار یافته از دانش می‌دانند که به عنوان یک شبکه‌ی سازماندهی یافته است. پژوهش حاضر قصد دارد تا به بررسی استعاره‌ی فضا^۱ با مطالعه‌ی حرف اضافه‌ی /naw/ در کُردی کلهری بر اساس رویکرد شناختی و مفهوم طرح‌واره‌ی تصویری حجمی^۲ پردازد. بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخی برای این پرسش است که ارتباط بین مبحث حروف اضافه‌ی مکانی و مفهوم طرح‌واره‌های تصویری در رویکرد شناختی چگونه است؟ ملاحظه می‌شود که مفهوم طرح‌واره‌ی تصویری ارتباط تنگاتنگی با مبحث حروف اضافه‌ی مکانی ملموس دارند. بنابراین، در این پژوهش مشخص می‌شود که حرف اضافه‌ی /naw/ از سه معنای متمایز «در»، «در طول» و «داخل/درون چیزی» و همچنین یک خوشه‌ی معنایی برخوردار است که معنای «در» به عنوان معنای سرنمون و سایر معانی به عنوان معنای مجزای آن در نظر گرفته می‌شوند. شایان ذکر است که این حرف اضافه، بین موضوع‌های درونی و بیرونی محمول^۳، رابطه‌ی «ظرف/مظروف»^۴ برقرار می‌کند که در آن، عنصر ثابت^۵ به مثابه‌ی ظرف و عنصر متحرک^۶ به عنوان مظروف مفهوم‌سازی می‌شوند. شایان ذکر است که از هر سه معنای مذکور این حرف اضافه، معنای «توی» برداشت می‌شود که به بررسی رابطه‌ی هندسی عنصر ثابت و عنصر متحرک، بین موضوع‌های یک محمول در طرح‌واره‌ی تصویری حجمی اشاره دارد.

پژوهش حاضر شامل شش بخش است. بخش دوم به پیشینه‌ی پژوهش و مطالعات مرتبط با آن پرداخته است. بخش سوم به روش‌شناسی انجام پژوهش اشاره می‌کند. در بخش چهارم با مبانی نظری مرتبط با طرح‌واره‌های تصویری پرداخته می‌شود. بخش پنجم به تحلیل معنایی حرف اضافی-مکانی/

1 space metaphor

2 container image schema

3 predicator

4 containee

5 landmark

6 trajector

/naw اختصاص دارد و در بخش آخر، نتیجه گیری پژوهش بررسی می شود.

۲- پیشینه ی پژوهش

با توجه به جستجوهای نگارنده، از میان همه ی پژوهش های انجام گرفته در خصوص حروف اضافه، تنها یک اثر پژوهشی که در خصوص حروف اضافه کُردی کلهری انجام گرفته است مشاهده شد. دهقان (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «بررسی چندمعنایی حروف اضافه ی /wæ/، /læ/ و /wægærd/ و /wæpi/ در کُردی کلهری بر اساس رویکرد شناختی» انجام داده است. وی در پژوهش خود به بررسی چندمعنایی حروف اضافه ی /wæ/، /læ/ و /wægærd/ و /wæpi/ در کُردی کلهری پرداخته است، تا بر اساس رویکرد چندمعنایی اصول مند که یکی از رویکردهای مطرح شده از سوی ایوانز و گرین (۲۰۰۶) است، به این پرسش اساسی پاسخ دهد که کدام یک از معانی این حروف اضافه، معنای اولیه و یا سرنمون و کدام یک به عنوان معانی حاشیه ای یا غیرهسته ای و مجزای آن در نظر گرفته می شوند. یافته های پژوهش نشان داد که معنای سرنمون /læ/ و /wæ/، که در برخی موارد به جای هم با معنای یکسان و کاربرد یکسان مورد استفاده قرار می گیرند، «از» است که در شبکه ی معنایی آن هجده معنای متمایز و پنج خوشه ی معنایی وجود دارد، با این تفاوت که /wæ/، علاوه بر این هجده معنای متمایز، در دو معنای متمایز دیگر به کار می رود که /læ/ نمی تواند در آن جایگاه ها به کار رود. از این رو معنای سرنمون /wæ/ «از» بوده و در شبکه ی معنایی آن بیست معنای مجزا به دست آمده است. معنای سرنمون /wægærd/ «با» می باشد که در شبکه ی معنایی آن یازده معنای متمایز و سه خوشه ی معنایی وجود دارد. همچنین حرف اضافه ی /wæpi/ دارای معنای سرنمون «به» است و شامل پنج معنای متمایز و دو خوشه ی معنایی است. ایمانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی معانی حروف اضافه در متن قرآن مجید از منظر معنی شناسی شناختی به بررسی تعدادی از پرکاربردترین و پرمعناترین حروف اضافه ی مکانی زبان عربی در قرآن مجید از منظر معنی شناسی شناختی پرداخته است. او بیان می دارد که در توصیف حروف اضافه ی مکانی، بررسی رابطه ی هندسی عنصر متحرک و عنصر ثابت و رابطه ی نقشی بین آن ها از اهمیت به

سزایی برخوردار است. وی معتقد است که در رویکرد سنتی، معانی حروف اضافه به صورت فهرستی از معانی و کاربردها ارائه می‌گردد که هیچ ارتباط منظم و نظام‌مندی بین آن‌ها نیست، در حالی که در رویکرد شناختی، ادعای این است که بین معانی هر حرف اضافه ارتباط منسجم و منظمی وجود دارد و معنای سرنمون به صورت طرح‌واره‌ای نمایش داده می‌شود و سایر معانی توسط ساز و کارهایی شناختی همچون استعاره و مجاز از آن معنای سرنمون مشتق می‌شوند. همچنین، زاهدی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «شبکه‌ی معنایی حرف اضافه‌ی فارسی «از» در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی»، حرف اضافه‌ی «از» را در زبان فارسی بررسی کرده‌اند. آن‌ها با استفاده از رویکرد شناختی و مفهوم سرنمون در این رویکرد، به شناسایی معنای اولیه یا هسته‌ای و دیگر معانی متمایز و یا غیرهسته‌ای حرف اضافه «از» در زبان فارسی پرداخته‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که مفهوم سرنمون حرف اضافه‌ی «از» به عنوان مفهوم کانونی در شبکه‌ی معنایی ترسیمی مورد نظرشان قرار گرفته و معانی متمایز منشعب از آن را نیز شناسایی کرده‌اند. راسخ‌مهند (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی معانی حروف اضافه‌ی مکانی فرهنگ سخن براساس معنی‌شناسی شناختی» بر این باور است که هر فرهنگ‌نگاری با معنی سر و کار دارد و آشنایی با تعاریف متفاوت معنی و رویکردهای مختلف معنی‌شناسی، امری حائز اهمیت است. وی تلاش کرده است تا نحوه‌ی نگرش به معنی در معنی‌شناسی را به خوبی معرفی کند و از این منظر میان دو معنای فرهنگ‌وار و دایرة‌المعارفی تمایز می‌گذارد. او در این پژوهش نحوه‌ی ثبت معنای حروف اضافه‌ی مکانی را مورد بررسی قرار داده و نشان داده است که آشنایی با معنی‌شناسی شناختی در تعیین معنای کامل مدخل‌ها به فرهنگ‌نگاران کمک می‌کند. گلفام و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «رویکرد معناشناسی شناختی به حروف اضافه‌ی مکانی زبان فارسی از منظر آموزشی، مطالعه‌ی موردی: حرف اضافه‌ی «در»»، در واقع به دنبال راهی برای پیدا کردن ارتباط معنایی میان معانی مختلف حروف اضافه‌ی مکانی بوده‌اند تا شبکه‌ی روابط معنایی آن‌ها را ترسیم کنند. در این پژوهش به این نکته اشاره شده است که در دیدگاه سنتی و بر اساس رویکردهای غیرشناختی یک فهرست طولانی از معانی برای این حرف

اضافه در نظر گرفته شده است که هیچ ارتباط معناداری بین آن‌ها وجود ندارد، در حالی که از منظر شناختی چنین نیست. این پژوهش روش کارآمدتر را ارائه‌ی شبکه‌ی معنایی مرتبط و مبتنی بر معنای اولیه می‌داند. در این پژوهش نشان داده شده است که رویکرد معنی‌شناسی شناختی تبیین بهتری از ساختار معنایی حروف اضافه‌ی مکانی به طور کلی و حرف اضافه‌ی «در» به طور خاص ارائه می‌دهد، و این در حالی است که نگارنده‌ی پژوهش حاضر این شبکه‌ی شعاعی از معانی مرتبط را در خصوص حرف اضافه‌ی /naw/ در کُردی کلهری مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. یوسفی‌راد (۱۳۸۷) در رساله‌ی دکتری خود با عنوان بررسی حروف اضافه‌ی زبان فارسی در چارچوب معناشناسی شناختی با نگاه ویژه به حروف اضافه‌ی مکانی به بررسی معناشناختی حروف اضافه‌ی زبان فارسی پرداخته است. وی بر این باور است که معنای حروف اضافه‌ی مکانی را می‌توان بر اساس رابطه‌ی شکل و زمینه درک کرد و بیان می‌کند که کاربرد معنایی حروف اضافه‌ی زبان فارسی آن‌چنان گسترده است که طبق پیکره‌ی pldb، دومین، سومین و چهارمین واژه‌های پربسامد زبان فارسی؛ یعنی، حروف اضافه‌ی «در»، «به» و «از» همگی حروف اضافه‌ی مکانی هستند که تنها حرف ربط «و» بر آن‌ها پیشی گرفته است. نگارنده با بررسی حروف اضافه‌ی مکانی نشان داده است که برخلاف آنچه که در دستور سنتی به آن اشاره شده است، کاربرد حروف اضافه بسیار ساختمان‌دوست و معنای مکانی آن‌ها، که همان معنای سرنمون است، به کمک ساز و کارهای شناختی به ویژه استعاره و مجاز به معانی دیگر آن مربوط می‌شود.

۳- روش‌شناسی پژوهش

ماهیت پژوهش حاضر، کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده‌های پژوهش از گویش کُردی کلهری (یکی از گویش‌های زبان کُردی در غرب ایران) جمع‌آوری شده است. داده‌ها بر اساس دانش زبانی نگارنده که گویشور بومی کلهری است و نیز از طریق مصاحبه با گویشوران و به صورت میدانی جمع‌آوری شده و اصالت آن‌ها نیز مورد تأیید گویشوران اصیل این گویش قرار گرفته است و پژوهش حاضر با ابزارهای مطرح در رویکرد

شناختی و بر اساس مفهوم طرح‌واره‌ی تصویری حجمی به توصیف و تحلیل آن‌ها پرداخته است.

۴- چارچوب نظری پژوهش

در معنی‌شناسی شناختی می‌توان از مفاهیمی نام برد که در تمامی نظریه‌های این رویکرد ثابت‌اند و از اصول بنیادی آن‌ها به شمار می‌روند. یکی از اصول مهم در معنی‌شناسی شناختی این است که ساختار مفهومی^۱ بدنمندی^۲ است، دیگر این که ساختار معنایی همان ساختار مفهومی است. جانسون (۱۹۸۷) با معرفی مفهوم طرح‌واره‌های تصویری بر این باور بود که تجربیات جسمی انسان با این طرح‌واره‌ها در شناخت او از جهان پیرامونش نشان داده می‌شود، یکی از این طرح‌واره‌ها که این مطالعه نیز توجه خود را بر آن معطوف داشته، طرح‌واره‌ی حجمی است. با کمی تأمل در نمونه‌های زیر می‌توان ساختار مفهومی مطرح‌شده در این طرح‌واره را درک کرد.

الف) حسن تو فکره.

LM TR

ب) بیمار تو کماس.

LM TR

ج) من تو امتحاناتم.

LM TR

د) توی غم و جدایی، پیدا کردن یه دوست خوب سخته.

LM

TR

همان‌گونه که از جمله‌های بالا پیداست، مفاهیم انتزاعی «فکر»، «کما»، «امتحان» و «غم و جدایی» طوری مفهوم‌سازی شده‌اند، گویی که دارای حجم^۳ هستند و همگی به مثابه‌ی ظرفی تلقی شده‌اند (نقطه‌ی ارجاع) که موضوع‌های بیرونی^۴، یعنی «حسن»، «بیمار» و «من» به مثابه‌ی عنصر متحرک در درون آن‌ها قرار گرفته‌اند و می‌توان به آن‌ها داخل و یا از آن‌ها

1 conceptual structure

2 embodied

3 containment

4 external argument

خارج شد. به باورِ راسخ مهند (۱۳۹۲) دلیل این امر، آن است که شناختِ ما از مفاهیم ذهنی بر پایه‌ی مفاهیم عینی شکل می‌گیرد، و این مفاهیم عینی به وسیله‌ی جسم و بدن ما تجربه می‌شوند. بنابراین، از دید شناختی‌ها، درک جمالات فوق، زمانی اتفاق می‌افتد که بر اساس واقعیت‌های عینی سنجیده شوند.

در واقع، حجم نوعی طرح‌واره‌ی تصویری است که در آن، این تجربه‌ی بدنمند است که موجب درک معنا می‌شود. لیکاف (۱۹۸۷: ۳۸) بر این باور است که درک جمله‌های (الف...د) بالا، به واسطه‌ی درک مفاهیم استعاری صورت می‌پذیرد که در آن طرح‌واره‌ی تصویری حجم به حوزه‌های مفاهیم انتزاعی نگاشته^۱ می‌شوند. بر همین اساس، می‌توان به این استعاره‌ی مفهومی^۲ اشاره کرد که «حالت‌ها حجم هستند». بنابراین، درک ما از حجم بدنمند می‌شود، اما این درک بدنمند می‌تواند به حوزه‌های انتزاعی نیز گسترش یابد (لیکاف، ۱۹۸۷؛ جانسون، ۱۹۸۷؛ تالمی، ۲۰۰۰؛ ایوانز و گرین، ۲۰۰۶). استعاره، روشی است که از طریق آن، مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه در قالب حوزه‌ای دیگر بیان می‌شود. حوزه‌ی مبدأ^۳ معمولاً انتزاعی‌تر است و حوزه‌ی مقصد^۴ ملموس‌تر و عینی‌تر.

تایلر و ایوانز (۲۰۰۳) معتقدند که در چارچوب تحلیل معنایی حروف اضافه و تشخیص مفهوم سرنمون دو نکته حائز اهمیت است: یکی همان رابطه‌ی مکانی-فضایی است که عنصر متحرک (TR) و عنصر ثابت (LM) را به هم مرتبط می‌کند، و دیگری جنبه‌ی کاربردی آن است که این دو عنصر را نشان می‌دهد. هر حرف اضافه، رابطه‌ای فضایی بین این دو عنصر است که تصور می‌شود منظری مکانی-فضایی را نشان می‌دهد.

ایوانز و تایلر^۵ (۲۰۰۴) بر این باورند که علاوه بر ترکیب این دو عنصر با هم، آنچه که در اینجا حائز اهمیت است، مفهوم انگیزش^۶ است که به وسیله‌ی یک حرف اضافه، یک "عامل کاربردی" را نیز در برمی‌گیرد. برای

1 mapping

2 conceptual metaphor

3 source domain

4 target domain

5 A. Tyler

6 motivation

مثال، در حرف اضافه‌ی انگلیسی /in/ ترکیب مکانی-فضایی، در برگرفتن عنصر متحرک را به وسیله‌ی عنصر ثابت نشان می‌دهد (تالمی، ۲۰۰۰). اما "عامل کاربردی"، مفهوم حجم را در برمی‌گیرد.

به باور جانسون (۱۹۸۷) عامل کاربردی حجم، مواردی همچون موقعیت، تعیین حدود و احتمال پنهان‌شدن عنصر متحرک را در خود دارد.

در چارچوب مطالعه‌ی لیکاف (۱۹۸۷) این انگیزش‌ها در واقع، منبعی برای چندمعنایی در نظر گرفته می‌شوند که بر اساس آن، سه منبع عمده برای چندمعنایی وجود دارد که عبارتند از: استعاره، مجاز و طرح‌واره‌های تصویری. پژوهش حاضر در ارتباط با بررسی معنای حرف اضافه‌ی /naw/ در گُردی کلهری تنها به یکی از موارد سه‌گانه‌ی فوق، یعنی طرح‌واره‌های تصویری و به طور ویژه، طرح‌واره‌ی حجمی اشاره دارد که در ذیل به تفصیل آن خواهیم پرداخت.

۱-۴ طرح‌واره‌های تصویری

طرح‌واره‌ی تصویری یکی از ساخت‌های مفهومی دارای اهمیت در پژوهش‌های معناشناسان شناختی به حساب می‌آید. به باور جانسون (۱۹۸۷) طرح‌واره‌های تصویری سطح اولیه‌تری از ساخت شناختی زیر بنای استعاره را تشکیل می‌دهند و بر این اساس، امکان ارتباط تجربیات فیزیکی ما را با حوزه‌های شناختی پیچیده‌تری نظیر زبان فراهم می‌آورند (صنفوی، ۱۳۷۹:۳۷۳). این طرح‌واره‌ها، از ساختاری ساده و اساسی برخوردارند که از تعاملات روزمره ما با جهان خارج شکل می‌گیرند.

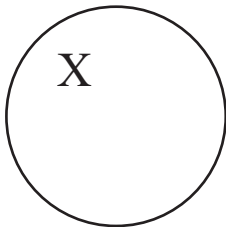
اونگرر^۱ و اشمید^۲ (۱۹۹۶: ۱۰۸) بیان می‌دارند که طرح‌واره‌های تصویری ساختارهایی شناختی هستند که «مستقیماً از تجربه‌ی جسمانی روزمره استخراج می‌شوند». لیکاف (۱۹۸۷: ۴۴) ضمن تأکید بر مفهوم طرح‌واره‌های تصویری بیان می‌دارد که «برخی روابط بسیار طبیعی میان طرح‌واره‌های تصویری هست که انگیزه‌ی چندمعنایی است». به همین منظور است که ما تصویری معینی از مثلاً رابطه‌ی ظرف و مظروف داریم که با اعمال و درک آن، معانی عبارت‌هایی همچون «در درد و سر افتادن»، «توی کما رفتن»، «در راه بودن»، «در رشته‌ی زبان‌شناسی» و مانند آن‌ها را می‌فهمیم.

1 H. J. Ungerer

2 F. Schmid

۵- بررسی معنایی حرف اضافه‌ی مکانی /naw/

در این پژوهش، اهمیت زبان‌شناسی شناختی را با بررسی حرف اضافه‌ی مکانی /naw/ به روشنی می‌توان مشاهده کرد که بر اساس طرح‌واره‌ی تصویری حجمی، چگونه می‌توان نداشت^۱ معنایی یک حوزه‌ی ملموس و عینی را به یک حوزه‌ی انتزاعی نشان داد. به طور کلی، طرح‌واره‌های تصویری بیان‌کننده‌ی الگوهای انگاره‌ای هستند که از حوزه‌های تصویری، همچون ظرف و مظروف، مسیر و ارتباط، نیرو و غیره ناشی می‌شوند که ساختار بسیاری از تجربیات بدنی ما و نیز تجربیات غیربدنی ما را از طریق استعاره شکل می‌دهند (کرافت و کروز، ۲۰۰۳: ۴۴). این حرف اضافه در کُردی کله‌ری نشان می‌دهد که معنای آن به صورتی نظام‌مند از حوزه‌ی فضایی و فیزیکی به حوزه‌ی انتزاعی گسترش می‌یابد. نمونه‌های ذیل نداشت این دو حوزه و رابطه‌ی بین دو مفهوم اساسی؛ یعنی، عنصر ثابت و عنصر متحرک را به خوبی نشان می‌دهند. نگارنده در ذیل نشان می‌دهد که حرف اضافه مکانی /naw/ دارای سه معنای متمایز «در»، «داخل/درون» و «در طول» است و از یک خوشه‌ی معنایی برخوردار است که معنای اولیه‌ای که گویشوران از این حرف اضافه‌ی مکانی در ذهن دارند معنای «در» است. در پایان، نتایج حاکی از آن است که این حرف اضافه‌ی مکانی، عنصر متحرک (TR) و عنصر ثابت (LM) را چنان به هم ربط می‌دهد که عنصر متحرک به مثابه‌ی «ظرف» و عنصر ثابت به مثابه‌ی «مظروف» درون ظرف در نظر گرفته می‌شود. از این رو، طرح‌واره‌ی تصویری حجمی را طرح‌واره‌ی ظرف و مظروف نیز می‌نامند که به صورت زیر نمایش داده می‌شود (سعید، ۱۹۹۷: ۳۰۹).



۵-۱ معنای مجزای حرف اضافه‌ی مکانی /naw/

حرف اضافه‌ی /naw/ یکی از حروف اضافه‌ی مورد استفاده در گویش کُردی

کله‌ری است که گویشوران در بافت‌های مختلف آن را با معانی متفاوت و مرتبط با هم به کار می‌برند. به منظور بررسی چندمعنایی این حرف اضافه، در ذیل به تحلیل و واکاوی معانی مختلف این حرف اضافه که گویشوران در بافت‌های مختلف به کار می‌برند، می‌پردازیم. شایان ذکر است که در همه‌ی معانی این حرف اضافه مکانی، معنای «توی» که نشانه‌ی حجم است به گونه‌ای نهفته، نمایان است. به عبارتی، به جای این حرف اضافه در همه‌ی بافت‌ها و معانی مختلف می‌توان مفهوم «در» را در زبان فارسی معادل‌گزینی کرد.

۱. مفهوم سرنمون

اولین معنا و مفهومی که از حرف اضافه‌ی /naw/ به ذهن می‌آید، درواقع همان معنای سرنمون این حرف اضافه به حساب می‌آید.

۱. الف. مفهوم «در»

مفهوم و معنای اولیه‌ای که از حرف اضافه‌ی /naw/ ابتدا به ذهن گویشور گُردزبان متبادر می‌کند، درواقع، معنای «در» است که در بافت‌های دیگر، معانی مختلفی دارد که در ذیل به آن‌ها خواهیم پرداخت. نمونه‌های زیر مؤید این مطلب هستند.

1. naw	zendeġi moškelaṭ	færæj hæ:s.
dær	<u>zendeġi moškelaṭ</u>	zejadi vodʒu:d daræd.

LM TR

«توی (در) زندگی مشکلات زیادی وجود دارد».

2. naw	reštæj	zæbanšenasi
dær	<u>reštaje</u>	<u>zabanšenasi</u>

LM

«توی (در) رشته‌ی زبان‌شناسی».

۲. خوشه‌ی چندمعنایی

حرف اضافه‌ی /naw/ در مفهوم و معنای دیگر حروف اضافه، به‌غیر از حرف اضافه «در» نیز به کار می‌رود که کاربرد آن‌ها را می‌توان در مفاهیم مجزای آن در جمله‌های ذیل مشاهده نمود.

۲. الف. معنای «در طول/در مدت»

یکی از مفاهیم حرف اضافه‌ی /naw/ نشان دادن «بازه‌ی زمانی»، یعنی مدت‌زمان است که مثال‌های زیر این مفهوم را به‌خوبی تأیید می‌کنند. نکته‌ی این معنا آن است که از حرف اضافه‌ی /naw/ در این مفهوم برای بیان «ظرفیت زمانی» استفاده می‌کنیم.

3. naw hæftæ dʒælæsæj mohemiʃ direm.

dær ʔi:n hæftæ dʒælæsəch -je mohemi daræm.

LM TR

«توی (در این) هفته جلسه‌ی مهمی داریم».

4. naw wæhar gedʒajg sæwz -æ.

dær zæmane bæhar hæme dʒa sæbz ʔæst.

LM TR

«توی (در فصل) بهار همه جا سبز است».

5. naw ruʒ dærsæjlem ø xwænem.

dær tule ruz dærshajæm ra mixanæm.

LM TR

«توی (در طول) روز درس‌هایم را می‌خوانم».

6. naw hæftæ karæjlem ʔændʒam ʃerd.

dær tule hæftæ karhajæm ʔændʒam šod

LM TR

«توی (در طول) هفته کارهایم انجام شد».

7. naw mang ræmæzan ruʒæ ʃerden wadʒebæ.

dær tule mah ræmæzan ruzeh ʃereftæn wadʒebe

LM TR

«توی (در طول) ماه رمضان، روزه‌گرفتن واجب است».

8. naw sæfær næbajæd sæxt ʃerd.

dær tule sæfær næbajæd sæxt ʃereft.

LM

«توی (در طول) سفر نباید سخت گرفت».

9. naw šæwe særde zemsan.

dær tule šæbe særde zemeštan.

LM

«توی (در طول) شب سرد زمستان».

10. naw zendeŋi.

dær tule zendeŋi.

LM

«توی (در طول) زندگی».

11. naw wæfr ranændeŋi sæxt -a.

dær zæmane (tu:) bærf ranændeŋi sæxt ʔæšt.

LM

TR

«رانندگی در زمان (توی) برف سخت است».

12. naw særma dæškeš kæmæ dæs.

dær zæmane(tu:) særma dæškeš mikonæm dæšt.

LM

TR

«در زمان (توی) سرما دستکش می‌پوشم».

13. ʔæli naw ʔemtanægan fære dærs xwæne.

ʔæli dær zæmane(tu:) ʔemtehanat zijad dærs mixanæd.

TR

LM

«علی در زمان (توی) امتحانات زیاد درس می‌خواند».

۲- ب. معنای «درون/داخل»

معنای دیگری که از حرف اضافه‌ی /naw/ در بافت‌های مختلف به دست می‌آید، معنا و مفهوم «درون یا داخل چیزی» است که مثال‌های زیر به‌خوبی مؤید آن است که در آن‌ها عنصر متحرک در درون عنصر ثابت که در اینجا به مثابه‌ی ظرفی در نظر گرفته می‌شود، قرار گرفته است. در این نمونه‌ها، آنچه که پس از حرف اضافه‌ی /naw/ می‌آید به عنوان عنصر ثابت و چیزی که در ارتباط با آن عنصر ثابت بدان اشاره می‌شود، به عنوان عنصر متحرک در نظر گرفته می‌شود. نکته‌ی حائز اهمیت این مفهوم، آن است که در اینجا از حرف اضافه مکانی /naw/ برای بیان «ظرفیت مکانی» استفاده می‌کنیم.

14. naw bærɸæ piʂnæhadæjl nusejas.
daxeले bærɸe piʂnæhadha neveʂteh šodeh.
LM TR
«پیشنهادات توی (داخل) برگه نوشته شده است.»
15. ʔi: dʒomlə naw kataw nusejas.
ʔi:n dʒomle tu:je ketab neveʂteh šodeh.
TR LM
«این جمله توی (داخل) کتاب نوشته شده است.»
16. ʔæra je ɸelæ nan naw sæf wesam.
bæraje jek ʔædæd nan daxeले sæf ʔi:stadæm.
LM TR
«برای خرید یک عدد نان توی (داخل) صف ایستادم.»
17. naw ʔajna xwa -d bun.
tu: ʔajne xod -et o bebin.
LM TR
«خودت را توی (داخل) آینه ببین.»
18. naw otaq ɸærmæ.
tu: otaq ɸærme
LM TR
«توی (داخل) اتاق گرم است.»
19. naw dʒængæl xwæʂæ.
tu: dʒængæl xoʂe
LM
«توی (داخل) جنگل خوش است.»
20. naw bærgæ ʔesm -et benus.
daxeले bærɸe ʔesm -et o benevis.
LM TR
«اسمت را توی (داخل) برگه بنویس.»
21. naw fekr -et bi: -m.

tu: fɛkr to bu:d -æm
LM TR

« تو فکرت بودم ».

22. daleʃ -em ha naw hæwš.
madær -æm ʔæst tu:je hæjat.
TR LM

« مادرم توی (داخل) حیاط است ».

23. mariʃ ha naw dʒæʔbæ.
mari ʔæst daxele dʒæʔbe.
TR LM

« ماری توی (داخل) جعبه است ».

24. naw ʔi:nɪnɛt wæ minæj beʃærd.
tu: ʔi:nɪnɛt be donbal -æš beʃærd.
TR LM

« توی (داخل) اینترنت به دنبالش بگرد ».

25. naw zeg -em žan kæj.
tu:je šəkæm -æm dærd mi:konæd.
LM TR

« توی (داخل) شکمم درد می‌کند ».

26. naw Tehran ʔajem gom bu.
tu:je Tehran ʔadæm gom mi:še.
LM TR

« آدم توی (داخل) تهران گم میشه ».

27. zendeʃi wæ naw šæhr ha dʒærjan.
zendeʃi dær daxele šæhr ʔæst dʒærjan.
TR LM

« زندگی توی (داخل) شهر در جریان است ».

28. naw qam -o dʒijæe.

tu:je gam - o dʒodaee.

LM

«توی (داخل) غم و جدایی».

29. ʔæli naw bæd mæxmæsæjg kaft -j -æ.

ʔæli tu:je bæd šærajeti oftadeh ʔæst.

TR

LM

«علی توی (داخل) بد شرایطی افتاده است.»

30. men naw ʔedaræ -j- e pošt kar kam.

man tu:je ʔedara -j- e pošt kar mikonam.

TR

LM

«من توی (داخل) اداره‌ی پست کار می‌کنم.»

31. žaniʃ læ naw særem hes kæm.

dærđi dær daxele særæm ʔehsas mikonæm.

TR

LM

«دردی توی (داخل) سرم احساس می‌کنم.»

32. ʔi:mru terafic naw dʒadae sænʃin bi:

ʔemruz terafic daxele dʒadeh sanʃi:n bu:d.

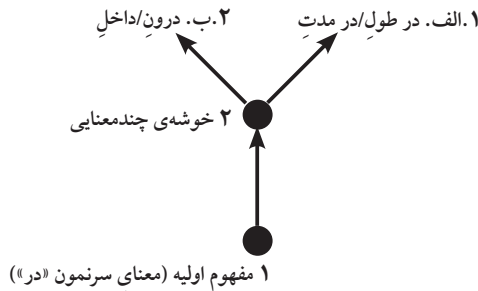
TR

LM

«امروز توی (داخل) جاده ترافیک سنگینی بود.»

۵-۱-۱ شبکه‌ی معنایی معناهای مختلف حرف اضافه‌ی مکانی /naw/

با توجه به معنایی به دست آمده‌ی حرف اضافه‌ی /naw/ مشخص شد که این حرف اضافه با معنای سرنمون «در»، دارای سه معنای متمایز، «در»، «در طول/در مدت»، و «درون/داخل» است و از یک خوشه‌ی معنایی «چندمعنایی» تشکیل شده است. پس از واکاوی این حرف اضافه‌ی مکانی در کُردی کلهری، شبکه‌ی معنایی زیر به دست داده شد.



۶- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر حروف اضافه، به بررسی معنایی حرف اضافه‌ی مکانی /naw/ در گُردی کلهری پرداخته است. نگارنده به منظور بررسی این حرف اضافه با استفاده از رویکرد شناختی و مفهوم طرح‌واره‌ی تصویری حجمی به این نتیجه دست یافت که این حرف اضافه از سه معنای متمایز «در»، «در طول/در مدت» و همچنین «داخل/درون» برخوردار است که از بین آن‌ها، معنای «در» به عنوان معنای سرنمون و سایر معنای متمایز آن در خوشه‌ی چندمعنایی جای گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد، واژه‌هایی که پس از این حرف اضافه در گُردی کلهری به کار می‌روند، همگی به مثابه‌ی ظرفی در نظر گرفته می‌شوند که مظروفی را در خود نگه می‌دارند. شایان ذکر است که این حرف اضافه، بین موضوع‌های درونی و بیرونی محمول، رابطه‌ی «ظرف/مظروفی» برقرار می‌کند. به عبارتی، حرف اضافه‌ی مکانی /naw/ بین موضوع‌هایش رابطه‌ای فضایی- مکانی برقرار می‌کند که در آن، عنصر ثابت به مثابه‌ی ظرف و عنصر متحرک به عنوان مظروف مفهوم‌سازی می‌شوند. همان‌گونه که یافته‌های پژوهش نیز نشان داد، مفهوم «توی» می‌تواند به جای آن سه معنای مجزا که برای حرف اضافه‌ی /naw/ در بافت‌های مختلف در نظر گرفته شد، به کار برده شود که این مفهوم به بررسی رابطه‌ی هندسی عنصر ثابت و عنصر متحرک، بین موضوع‌های یک محمول در طرح‌واره‌ی حجمی اشاره دارد. این قبیل پژوهش‌ها می‌توانند در امر آموزش چندمعنایی حروف اضافه به زبان‌آموزان مفید و مؤثر واقع شوند.

منابع فارسی

- ایمانی، محمود (۱۳۹۵). بررسی معانی حروف اضافه در متن قرآن مجید از منظر معنی‌شناسی شناختی. رساله‌ی دکترای تخصصی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- دهقان، مسعود (۱۳۹۷). «بررسی چندمعنایی حروف اضافه‌ی /wæ/، //læ/ و /wægi/ و /wægaerd/ در کُردی کلهری بر اساس رویکرد شناختی». مجله‌ی جستارهای زبانی. دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۲. صص ۳۳-۱.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۹). «بررسی معانی حروف اضافه‌ی مکانی فرهنگ سخن براساس معنی‌شناسی شناختی». مجله‌ی ادب پژوهی. ش. ۱۴. زمستان ۱۳۸۹. صص ۶۶-۴۹.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۲) در آمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم. تهران: سمت
- زاهدی، کیوان و عاطفه محمدی زیارتی (۱۳۹۰). «شبکه‌ی معنایی حرف اضافه‌ی فارسی «از» در چارچوب معنی‌شناسی شناختی». تازه‌های علوم شناختی. صص. ۸۰-۶۷.
- صفوی، کورش. (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۸۸). «رویکرد معناشناسی شناختی به حروف اضافه‌ی مکانی زبان فارسی از منظر آموزشی، مطالعه موردی: حرف اضافه در». مجله‌ی پژوهش زبان‌های خارجی. ش. ۵۶ (ویژه‌نامه‌ی انگلیسی). از صص ۱۶۷-۱۷۹.
- یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۸). بررسی حروف اضافه زبان فارسی در چارچوب معناشناسی شناختی با نگاه ویژه به حروف اضافه‌ی مکانی. رساله‌ی دکترای تخصصی. دانشگاه تربیت مدرس.

- Croft, W. & Cruse, D.A. (2003). *Cognitive Linguistics*. Cambridge University Press.
- Evans, V. & Tyler, A. (2004). Spatial experience, lexical structure and motivation: the case of in. In G. Radden and K. Panther (eds.). *Studies in Linguistic Motivation*. Pp. 157–192. Berlin: Mouton de Gruyter
- Evans, V. & Green, M. (2006). *An introduction to Cognitive Linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press
- Lakoff, G. and Johnson, M. (1980). *Metaphors we Live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1987). *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Langacker, R.W. (1987). *Foundations of Cognitive Grammar (Volume 1)*. Stanford: Stanford University Press
- Saeed, J. (1997). *Semantics*. Blackwell publishers.
- Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics (2 vols)*. Cambridge, MA: MIT Press
- Tyler, A. & Evans, V. (2003). *The Semantics of English Prepositions: Spatial Scenes, Embodied Meaning and Cognition*. Cambridge: Cambridge University Press
- Ungerer, H. J. & Schmid, F. (1996). *An Introduction to Cognitive Linguistics*. London: Longman.

